

نهادهای مدافع حقوق کودک را باید هر چه بیشتر در ایران ایجاد کرد

فراخوانی به همه انسانهای مدافع حقوق کودک، حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق کارگران

هما ارجمند و جلیل بهروزی

۴ اوت ۲۰۰۵

کودکان آن بخشی از جامعه هستند که از کمترین قدرت و امکان در دفاع از صیانت خود، زندگی بهتر برای خود و حقوق پایه ای خود برخوردارند و اساسا به همین اعتبار به آنان کودک میگویند. این وظیفه بزرگسالان است که در حفظ موجودیت، سلامتی، شادابی و پرورش همه جانبه آنان تلاش کنند. اما اگر در جامعه زندگی میکنیم که رسم و سنتهای عقب مانده کماکان جان سختی میکنند، مذهب هنوز در امور جامعه، خانواده، آموزش و پرورش دست دارد و از همه مهم تر با حکومتی مواجه هستیم که مذهبی است و برای انسانیت، کودک و تعالی آن کوچکترین ارزشی قایل نیست، این وظیفه به مراتب سنگین تر و همه جانبه تر خواهد بود. بخصوص وظیفه انسانهایی که خود را هر چه بیشتر دلسوز به امر سعادت کودکان میدانند و بلطع تا حال نیز دست و روی دست نگذاشته و از هر فرصتی بهره جسته و برای نجات کودکان تلاش کرده اند.

عرصه مبارزه برای حقوق کودکان عرصه بسیار وسیعی است هم از نظر تنوع مسائل و معضلاتی که گریبانگیر کودکان است و هم از نظر توجه و سمپاتی مردم به آن. در جامعه بندرت میتوان کسی را یافت که منکر حق کودکان در برخورداری از یک زندگی شاد و شکوفا باشد. انگیزه و فلسفه چندان قوی احتیاج نیست که مردم را مجاب به حمایت از این عرصه کرد. البته بدون آن که فراموش کرده باشیم در ایرانی که جمهوری اسلامی در آن حاکمیت میکند این عرصه نیز همچون دیگر عرصه های اجتماعی که مربوط به مبارزه برای حق انسانها و زندگی بهتر برای آنان است فعالین با چه موانع بزرگ و خطراتی روبرو هستند. اما اهمیت دفاع از حقوق کودکان در ایران از الزام آن نمیکاهد. تنها با نگاهی به لیستی از بدبختیهای و معضلاتی که کودکان در ایران با آن روبرو هستند و با توجه به ضعیف بودن صدایی که در اعتراض به این وضعیت جهانی شاهدیم میتوان درجه اهمیت پرداختن به این

عرصه و لزوم فوری آن را نشان داد.

کودکان خیابانی و کودکان بی سرپرست؛ تنها پرداختن به این مسئله خود کوهی از کار و فعالیت سازمان یافته را میطلبد. کاری که اساسا معطوف به این خواهد بود که دولت و سازمانها مربوطه را ملزم سازیم که با اسکان دادن این کودکان در شلتر و سرپناههای امن، با استاندارد بالا آنها را هر چه سریعتر نه تنها از گزند باندهای قاچاق انسان و سو استفاده گر نجات داده بلکه امر آموزش و پرورش آنان را نیز سامان دهند و همچنین به دست خانواده هایی که از توانایی، امکانات و قابلیت سرپرستی کردن کودک برخوردارند بسپارند.

کودکان کار؛ در ایران چندین میلیون کودک زیر سن قانونی در کارگاههای تولیدی، کورپزخانه ها، مزارع، قالی بافی ها و غیره امروز به کار کشیده میشوند و تحت شرایط طاقت فرسایی استثمار میگردند. (بنا به آمارهای رسمی ۱۸ درصد کودکان) در حالی که جای این کودکان در مدارس و محلهای بازی و تفریح است. مبارزه گسترده برای پایان دادن به کار کودکان خود عرصه وسیعی است که زمینه ها مختلفی را از کار آگاهگراخانه در جامعه تا فشار به دولت برای پی گرفتن يك اقدام جدی جهت تعقیب و مجازات کسانی که کودکان را به کار میکشند تا تحریم خرید اجناسی که با کار کودکان تولید شده است و غیره را دربرمیگیرد. استفاده از کودکان در تجارت سکس؛ از دیگر فجایعی است که امروز در مقیاس وسیع در ایران کودکان با آن روبرو هستند. مقابله همه جانبه بر علیه استفاده از کودکان در تجارت سکس و پورنوگرافیک، تا سرقت کودکان توسط باندهای تجارت سکس و کشانده شدن کودکان به دام افراد و گروه های حرفه ای فروش سکس بخاطر فقر خانوادگی، خود يك امر مهمی است که دخالت گری فعال انسانها و نهادهای مدافع حقوق کودک را احتیاج دارد.

مبارزه ای که يك طرف آن دولت است که باید ملزم به وضع قوانین سخت و پیگیری و تعقیب عاملین این تجارت سیاه و ضد انسانی گشته و بطور دائم وظیفه حمایت از کودکان جدا از وضعیت خانواده ها را عهده دار باشد.

مبارزه برای تحصیل همگانی و مجانی کودکان؛ میلیونها کودک امروز در ایران بی سوادند و یا به مدرسه نمیروند. مسبب اصلی این محرومیت در درجه اول حکومت است. آموزش و پرورش

باید مجانی و اجباری باشد. دولت موظف است با ایجاد مدارس با فضای مناسب، امن و بهداشتی و در اختیار گذاشتن معلم و امکانات لازم با استاندارد بالا برای همه کودکان این معضل اساسی را حل کند. پرداختن به مسئله سواد آموزی کودکان خود میتواند مبنای يك کمپین گسترده و ادامه دار نهادهای مدافع حقوق کودک در ایران باشد.

حقوق کودکان با ناتوانیهای جسمی و ذهنی؛ کودکان معلول و کودکان عقب مانده بیشترین ستم و حق کش و محرومیت را متحمل میشوند. این کودکان بخاطر نیاز شدیدشان به مراقبتهای ویژه، تغذیه، بهداشت و آموزش مخصوص بیش از همه محتاج آنند که از کمکهای وسیع سازمانهای دولتی برخوردار گردند. تحمیل این چنین مسئولیتی نیاز به يك فشار دائم مردم و سازمانهای مدافع حقوق کودکان دارد. همچنین فرهنگ غالب کم توجه ای و یا تحقیر کردن این گونه کودکان در خانه و بخصوص در بیرون از خانه خود به يك مبارزه وسیع آگاهگرایانه در جامعه را احتیاج دارد.

میتوان به این لیست همچنان افزود اما بخاطر کوتاه کردن مطلب تاکید میکنیم که به "بیانه حقوق کودک" که توسط نهاد کودکان مقدمه داده شده است مراجعه کرده تا به ابعاد و دامنه عرصه مبارزه برای حقوق کودکان آشنایی بیشتری پیدا کرد. عرصه ای که همچنین میتواند مسئله مبارزه با ستم کشی مضاعف کودکان دختر در جامعه، مسئله زندان کردن کودکان بخاطر اعمال خلاف قانون و اعدام کودکان، به خدمت گرفتن کودکان در ارتش و ..را دربر گیرد.

اما اهمیت يك مسئله خوبخودی امکان پاسخگویی به آن را نیز بوجود نیاورد از این رو این سوال اساسی بجا است که آیا میتوان نهادهای مدافع حقوق کودک را در ایران ایجاد کرد؟ واقعیت این است که هم اکنون چندین گروه و سازمان در این رابطه وجود دارد و کوششهای وسیعی نیز توسط افراد مختلف در جهت تامین حقوق کودکان صورت میگیرد. اما همین واقعیت در عین حال نشان میدهد که چقدر وجود سازمانها و فعالیتهای موجود کفاف مسئله را نمیدهند. از این رو فراخوان ما دقیقاً این هدف را دنبال میکند تا نیروهای بیشتری را در عرصه مبارزه برای حقوق کودکان در ایران بسیج کند.

همانطور که در بالا گفتیم وجود يك تمايل عمومی و میلیونی در جامعه در حمایت از کودکان و حقوق آنان سنگ بنای هر حرکت سازمان یافته در این زمینه است. این خود بیشترین حفاظت از هر جریانی که بخواهد به ایجاد تشکل مدافع حقوق کودکان بپردازد را فراهم میسازد. هیچ حکومتی نمیتواند به راحتی نهادی که متکی بر حمایت وسیع جامعه است را از بین ببرد. سازمانی که بلاواسطه معطوف به کودکان است را نمیتوان با هیچ توجیهی ای سرکوب کرد. بخصوص در شرایط کنونی که وضعیت جمهوری اسلامی شدیداً متزلزل است و قدرت تعرض آن بسیار ضعیف است. اما در عین حال برای این که ضریب ریسک را پایین آورده باشیم میتوانیم به شکل کمپینی فعالیت خود را آغاز کنیم. بطور نمونه کمپین دفاع از کودکان خیابانی و یا کودکان کار و غیرو. و یا تشکلی که فکوس عمده آن بروی يك مسئله و یا يك معضل است، چون "نهاد مبارزه برای حق تحصیل مجانی و اجباری همه کودکان". داشتن يك افق روشن، اهداف انسانی و تمامیت خواه همچنین شرط مهمی برای پیشروی و نفوذ در جامعه است. اتکا به رؤس برنامه ای که بر مبنای آخرین دستاوردهای بشری در زمینه حقوق کودکان تهیه شده باشد منبع مهمی است برای کار تبلیغی، آگاهگرایی و بسیج مردم. محور قرار دادن کودک و خواست يك زندگی انسانی و قرن بیست یکمی برای او هر تشکل مدافع حقوق کودک را در مدت بسیار کوتاهی به اهرمی قدرتمند در جامعه بدل خواهد کرد که هیچ نیرویی نمیتواند به آسانی آن را نادیده گرفته و یا مانع جدی در سر راه آن ایجاد کند. با این اوصاف باید وسعیا به پای ایجاد نهادها و سازمانهای مدافع حقوق کودکان رفت. از تجربه های موفق در خود ایران باید بهره گرفت و از تلفیق آن با يك پلاتفرم روشن و مترقی از نوعی که نهاد کودکان مقدمند ارائه داده است فعالیت وسیعی را آغاز کرد. در آخر این را هم باید تاکید کنیم که ایجاد رابطه محکم بین گروههای مختلفی که در این زمینه کار میکنند و همچنین ارتباط با سازمانها و گروههای فعال در سطح بین المللی از دیگر قدمهای اساسی است که باید برداشت. با امید به شکل گیری هر چه بیشتر سازمانها و نهادهای مربوط به حقوق کودکان در ایران و ایجاد تغییرات مهم در وضعیت این عزیزان.

